

«تئاتری» اصیل یعنی چه؟

دو تئاتر علی نصیریان و آن انرژی غریب

چاپ شده در : روزنامه اعتماد

زمان انتشار : آبان ماه ۱۳۹۰

این یادداشت یکی از بخش های مختلف ستون "میکروسکوپ خصوصی من" بود که عنوان اغلب یادداشت هایم در صفحه آخر روزنامه های "شرق" و "اعتماد" بوده و هست؛ و با تمام توقیف ها و رفع توقیف های چندین باره این دو روزنامه، مانند فعالیت خود آنها، ادامه یافته است.

*

*

در نشست خبری/رسانه ای دو نمایش «آدم خوابش می گیره» و «بازیگر و زنش» به قلم و با بازی علی نصیریان که بر صحنه فرهنگسرای نیاوران در حال اجراست، دوستم امین عظیمی به نکته ای اشاره کرد که باب پرسش و مبحثی قدیمی را در ذهنم گشود. او هم در وصف بازی نصیریان و هم در ستایش بازی محبوبه بیات که در هر دو نمایش همراه و هم بازی نصیریان است، به «انرژی» متراکم و عجیبی اشاره کرد که در اجرای پرزحمت دو متن به طور متوالی، نزد این دو بازیگر باسابقه موجود است و در صحنه به چشم می آید. دو نمایشی که یکسره جدل کلامی و حرکت از واقعیت به رویاهای شیرین (در اولی) و از زندگی خود به زندگی نقش های یک نمایشنامه (در دومی) هم در آنها جاری است و بی دمی درنگ و سکون، از بازیگر همه نوع انرژی می گیرد.

خب، نمونه های این اتفاقات عجیب را همه حفظیم و بارها شنیده ایم؛ که مثلاً وقتی برای فیلم «گاوخونی» بهروز افخمی، قرار بود عزت انتظامی در سرمای همین موقع (اواخر مهر و اوایل آبان) با یک پیراهن آستین کوتاه کنار زاینده رود راه برود و حتی در یک سکانس بدون پیراهن توی آب باشد، چه طور ناگهان از شرایط سنی خودش جدا شد و به شکلی باورنکردنی، شور و انرژی و گرمای جوانانه ای برای بازی در این سکانس پیدا کرد. اما در حالی که اینها را شنیده ایم و حالا هر شب علی نصیریان دارد به اندازه ای راه می رود و دیالوگ می گوید و تغییر لحن و نوسان بیان به کار می گیرد که اگر بستگان ما در زندگی

خانوادگی در سنین بیست سال کمتر از او چنین می کردند، احیاناً تا مدت ها منت زحمات آن روزشان را بر سر اطرافیان می گذاشتند، پرسشی که در اشاره امین عظیمی نهفته بود، این است که چرا در جوانان این انرژی یافت و دیده نمی شود؟ چرا حتی بهترین بازیگران تئاتر ما، جز در مواردی مانند نمایش «ولپن» که شکل اجرا تحرک و جوشش را می طلبد، این انرژی متراکم را ندارند؟ این در حالی است که تا پیش از امکان کار حرفه ای بر روی صحنه، همه غرولند می کنند که هر چه هست، پارتی بازی است و چرا به این همه انرژی به جا مانده پشت درهای بسته دنیای حرفه ای های بازیگری، توجهی نمی شود!

به گمانم باید رجوعی کرد به آن چه نصیریان در وصف «احساس» خود از اجرا بر روی صحنه می گفت و احیاناً برای جوانان هرچند فعال و هرچند مستعد امروز، عجیب و غریب یا حتی شعاری و کهنه و فرسوده جلوه می کند: می گفت تئاتر برایش یک آیین و صحنه برایش مانند محل «استریپ شو» روحی است؛ یعنی جایی که بازیگر باید روح خود را عریان کند تا درونیات نقش را بازنماید. می گفت صحنه برایش به منزله «قربانگاه» است. هر وقت دوستان «فعال در تئاتر» به این نوع نگاه و درک نسبت به اتفاق روی صحنه رسیدند، می توانند تازه خود را به عنوان اصیل «تئاتری» به معنای عمیق و دقیقش مفتخر بدانند. عنوانی که تنها باید نوع تلقی نصیریان و دو سه تا مانند او را دید تا دریافت چرا ما از مفهوم اصیل «تئاتری»، تنها یک ظاهر صنفی «فعال در تئاتر» را برگرفته ایم و به راحتی به آدم ها منسوبش می کنیم.